

خیرخواهی از منظر قرآن کریم

حجت الاسلام والمسلمین محمد علی محمدی*

مقدمه

خیرخواهی، یکی از فضیلت‌های اخلاقی است که برای فرد و جامعه بسیار مهم و ضروری و موجب صلاح دنیا و آخرت می‌شود. نظر به اهمیت خیرخواهی، پس از بیان مفهوم و اهمیت خیرخواهی از نگاه قرآن، آثار و آداب آن را مرور می‌کنیم.

۱. معنای خیرخواهی

خیر به معنای خوبی،^۱ نیکی، فایده و بهره است.^۲ از نظر علامه طباطبایی رحمته الله علیه، خیر در اصل به معنای برگزیدن است و یک چیز را وقتی خیر می‌گوییم که آن را با چیز دیگری مقایسه می‌کنیم و سپس آن را برمی‌گزینیم. برگزیده ما، در نظرمان خیر است.^۳ اگر برگزیده ما با هدف دنیوی باشد، خیر دنیوی و اگر دارای فواید اخروی باشد، خیر آخرتی دارد.

۲. اهمیت خیرخواهی

خیرخواهی دارای جایگاه و اهمیت خاصی در آیات و روایات است که بدان می‌پردازیم.

۲/۱. خیرخواهی در قرآن

از منظر قرآن خیرخواهی حداکثری و تلاش فراوان برای به دست آوردن آنچه آدمی خیر می‌داند، جزو سرشت انسان است؛ چنانکه می‌فرماید: «لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ؛^۴ انسان از

* استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، ج ۲، ص ۶۵۱.

۲. الیاس انطوان الیاس، فرهنگ نوین، ص ۳۰۴.

۳. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۵۲ و ۱۵۳.

۴. فصلت: ۴۹.

خیرخواهی خسته نمی‌شود». آدمی نیز باید توجه داشته باشد که از این سرشت الهی به شکل مناسب و در راه صحیح و خدایسند استفاده کند و نباید همه خیر و خوبی‌ها را برای خودش به تنهایی بخواهد و دیگران را محروم کند.

قرآن کریم در موارد بسیاری به خیرخواهی پیامبران اشاره می‌کند و یکی از مهم‌ترین عملکردهای رسولان الهی را خیرخواهی آنان می‌داند که نشانه اهمیت آن است. برای مثال سخن حضرت نوح علیه السلام را این‌گونه نقل می‌کند: «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^۱ من رسالت‌های پروردگaram را به شما ابلاغ می‌کنم و خیرخواه شما هستم و از خداوند چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید».

از آنجا که توضیح خیرخواهی‌های همه پیامبران از حوصله این نوشتار کوتاه خارج است، به برخی از درس‌های خیرخواهانه حضرت هود علیه السلام اشاره می‌شود:

خیرخواهی حضرت هود علیه السلام

حضرت هود علیه السلام بر قوم عاد مبعوث شد. این قوم در شهرنشینی و تمدن، پیشرفت زیادی کرده بودند. آن‌ها سرزمین‌هایی آباد و زمین‌هایی حاصلخیز و باغ‌ها و کشتزارهای فراوانی داشتند. هود علیه السلام دعوت خود را از مسئله توحید و مبارزه با شرک و بت‌پرستی شروع کرد،^۲ ولی آن جمعیت خودخواه و متکبر، به‌ویژه سردمداران آن‌ها به او حمله کردند و گلوی او را آن‌قدر فشردند که نزدیک بود جان دهد و تا یک شبانه روز بیهوش افتاده بود. با این حال، خدا به او خطاب فرمود که مبادا از هدایت و خیرخواهی مردم ملول و خسته شوی و باید به کار خویش ادامه دهی.^۳ آنان افزون بر اذیت و آزار جسمی، به آزار روحی و هجمه فرهنگی روی آوردند و نسبت‌های ناروایی به او دادند؛ برای مثال گفتند: «ما تو را در سفاهت و سبک‌مغزی می‌بینیم و گمان می‌کنیم تو از دروغگویان باشی».^۴ آن حضرت گفت: «من رسالت‌های پروردگaram را به شما ابلاغ می‌کنم و من خیرخواه امینی برای شما هستم».^۵

آن حضرت ۷۰۶ سال مردم را به سوی حق دعوت نمود، ولی آنان از خیره‌سری دست

۱. اعراف: ۶۲.

۲. اعراف: ۶۵: «قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ».

۳. محمدباقر مجلسی، حیات القلوب، ج ۱، ص ۲۸۲.

۴. «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ».

۵. اعراف: ۶۷.

برنداشتند^۱ تا آنجا که سرانجام خداوند آنان را با باد بسیار سرد به هلاکت رساند.^۲ نکات برگرفته از داستان حضرت هود علیه السلام عبارتند از:

۱. در زمان پیامبران نیز دشمنان به روش‌های تهاجم فرهنگی از جمله، توهین، شبهه‌افکنی، تمسخر و... روی می‌آوردند.

۲. بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی، آرامش، افزایش ایمان و بصیرت‌افزایی است.

۳. ملتی که با صدای مهربانانه فرستادگان الهی از خواب غفلت بیدار نشوند، با غرش بادهای سوزان و برق آتش خروشان و دردهای بی‌درمان، زمانی به خود می‌آیند که دیگر دیر شده است.

۲/۲. خیرخواهی در روایات

بنا بر روایتی از امام صادق علیه السلام، «بر مؤمن واجب است که خیرخواه [برادر] مؤمن [خود] باشد؛ چه در پشت سر و چه در حضور او».^۳ آن حضرت در سخن ارزشمند دیگری فرموده است: «عَلَيْكُمْ بِالنُّصْحِ لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ فَلَنْ تَلْقَاهُ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ؛^۴ بر شما لازم است که خیرخواه خلق خدا برای [رضای] خدا باشید؛ چرا که هرگز با عملی که با فضیلت‌تر از خیرخواهی باشد، خدا را [در روز قیامت] ملاقات نخواهید کرد».

نکات مهم این روایات عبارتند از:

۱. خیرخواهی لازم، ضروری و عمومی است و شامل همه حالت‌ها و زمان‌ها می‌شود.

۲. خیرخواهی یکی از حقوق برادر نسبت به برادر دیگرش است و نباید این حق نادیده گرفته شود.

۳. در روز قیامت وقتی آدمی ثواب کارهایش را می‌بیند، خیرخواهی درخشش و نوری دارد که هیچ چیزی جایگزین آن نیست.

چو پرهیزگاری شود پیشه‌ات بود خیرخواهی در اندیشه‌ات^۵

۱. محمدباقر مجلسی، حیوة القلوب، ج ۱، ص ۲۸۳.

۲. همان، ص ۲۸۴ و ۲۸۵.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۰۸.

۴. همان.

۵. جامی، هفت اورنگ، خردنامه اسکندری، بخش ۳۱، خردنامه هرمس.

۳. آثار خیرخواهی

هر کار خوب و بدی که انسان آن را انجام می‌دهد، اولین نتیجه‌اش به خودش بر می‌گردد؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا»^۱. خیرخواهی نیز از این قانون کلی مستثنا نیست و نتیجه خیرخواهی و شرطی متوجه خود انسان است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا»^۲.

خویشتن را خیر خواهی، خیرخواه خلق باش

زانکه هرگز بد نباشد نفس نیک‌اندیش را^۳

خیر خواهی دارای آثار فراوانی برای دنیا و آخرت افراد و جوامع است که به برخی از آن‌ها

اشاره می‌شود:

۳/۱. آثار دنیوی خیرخواهی

۱. اصلاح فرهنگ جامعه در خیرخواهی‌های فرهنگی؛
۲. اصلاح و تقویت اخلاق اجتماعی در خیرخواهی‌های اجتماعی؛
۳. تقویت بنیان‌های خانواده در خیرخواهی‌های خانوادگی؛
۴. رشد اقتصادی و کاهش فقر در خیرخواهی‌های اقتصادی و ...

۳/۲. آثار اخروی خیرخواهی

خداوند در آیه ۹۱ سوره توبه از ضرورت، آثار و مصادیق خیرخواهی چنین سخن گفته است: «لَيْسَ عَلَى الصُّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ بر ضعیفان و بیماران و آن‌ها که وسیله‌ای برای انفاق ندارند، ایرادی نیست (که در میدان جنگ شرکت نجویند،) هر گاه برای خدا و رسولش خیرخواهی کنند. بر نیکوکاران راه مؤاخذه نیست و خداوند آمرزنده و مهربان است».

بر اساس این آیه بهترین مصداق خیرخواهی، خیرخواهی در راه خدا و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که دارای آثاری به شرح ذیل است:

۱. اسراء: ۷.

۲. جائیه: ۱۵.

۳. سعدی، مواضع، غزلیات، غزل شماره ۲.

۱. برخورداری از رحمت الهی؛
۲. قرار گرفتن در زمره نیکان؛
۳. بخشش گناهان؛
۴. بهشت؛ مهم‌ترین اثر اخروی خیرخواهی، ورود به بهشت الهی است.

بهشت و خیرخواهی

شخصی می‌گوید: نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بودیم، ایشان فرمود: «اکنون شخصی بر شما وارد می‌شود که از اهل بهشت است». سپس یکی از انصار وارد شد، سلام کرد و مشغول نماز شد. این جریان دو روز دیگر نیز تکرار شد. در سومین روز بعد از خارج شدن آن حضرت از مجلس، یکی از یاران به دنبال آن مرد انصاری رفت و سه شب در نزد او به سر برد؛ ولی از شب بیداری و عبادت [فراوان] چیزی ندید، جز اینکه هنگام رفتن به رختخواب ذکر خدا را می‌گفت و بعد می‌خوابید و برای نماز صبح بیدار می‌شد. بعد از سه شب آن صحابی جریان روایت پیامبر صلی الله علیه و آله را برای او گفت. مرد انصاری گفت: «غیر از آنچه دیدی، از من بندگی [بیشتری] سر نمی‌زند؛ جز آنکه بر احدی از مسلمانان در خود غش و خیانتی نمی‌بینم و بر خیر و خوبی که خدای تعالی به او عنایت کرده است، حسدی نمی‌ورزم [و در يك کلام خیرخواه مردم هستم]». آن صحابی گفت: «این حالت است که تو را به این مرتبه [عالی] رسانده است، ولی از ما بر نمی‌آید».^۱

۴. آداب خیرخواهی

خیرخواهی هنگامی اثربخش و مفید است که آداب آن رعایت شود. در ادامه به مهم‌ترین آداب خیرخواهی اشاره می‌شود.

۴/۱. خیرخواهی حکیمانه

در قرآن کریم بر رابطه «حکمت» و «خیر» تأکید شده است: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»^۲ (خداوند) حکمت را به هر که بخواهد، می‌بخشد و به هر کس حکمت داده شود، خیر فراوان به او داده شده است و این را جز صاحبان خرد در نمی‌یابند».

۱. احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۴۴۰.

۲. بقره: ۲۶۹.

بنا بر روایات، خیرخواهی حکیمانه باید دارای شرایط زیر باشد:

۱. همراهی با عفو و گذشت؛^۱ که توضیح آن به زودی خواهد آمد.
۲. تواضع؛^۲ زیرا خیرخواهی از متکبر مورد پذیرش مردم قرار نمی‌گیرد.
۳. حسن معاشرت و اخلاق نیک؛^۳ فردی که اخلاقش ناپسند و زننده باشد، مردم به او و نصیحت‌هایش توجه نمی‌کنند.
۴. پرهیز از دروغ و مغالطه؛^۴ برخی افراد برای اینکه نصیحت آنان مورد قبول قرار گیرد، به دروغ یا مغالطه متوسل می‌شوند و کار نیک خود را به گناه و حرام آلوده می‌کنند.

۴/۲. اعلان خیرخواهی

در بررسی سیره و روش پیامبران که قرآن کریم آن را گزارش کرده است، این اصل به وفور دیده می‌شود. حضرت هود علیه السلام خودش را خیرخواهی امین معرفی می‌کرد که رسالت‌های الهی را به مردم ابلاغ می‌کند.^۵ حضرت نوح علیه السلام تصریح می‌کرد که هدف او خیرخواهی است^۶ و حضرت صالح علیه السلام پس از ابلاغ رسالت الهی، به خیرخواه بودن خودش تصریح می‌کرد؛^۷ چنانکه سیره حضرت شعیب علیه السلام نیز همین‌گونه بود.^۸

۴/۳. صبر و شکیبایی

خیرخواهی، نوعی تربیت است که شکیبایی مربی در تربیت متربی نقش بسیار برجسته‌ای دارد. با بررسی سیره معصومین علیهم السلام نیز مشخص می‌شود که آنان خیرخواهی خودشان را با شکیبایی همراه کرده بودند. در ادامه به مواردی از این خیرخواهی‌ها اشاره می‌شود.

خیرخواهی صبورانه حضرت نوح علیه السلام

حضرت نوح علیه السلام به صراحت خود را خیر خواه مردم معرفی می‌کرد.^۹ خیرخواهی صبورانه

۱. ر. ک: عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۱۲.

۳. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۶۶۰.

۴. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۹۱.

۵. اعراف: ۶۸.

۶. اعراف: ۶۲.

۷. اعراف: ۷۹.

۸. اعراف: ۹۳.

۹. اعراف: ۶۲.

نوح علیه السلام به گونه سه بار، هر بار سیصد سال و در مجموع نهصد سال مردم را به خیر و نیکی دعوت کرد. در این مدت طولانی فقط هشتاد نفر ایمان آوردند^۱ و خداوند به نوح علیه السلام خبر داد: «از قوم تو هرگز ایمان نمی آورند، مگر همان‌هایی که ایمان آورده‌اند. پس غمگین مباش به آنچه ایشان می‌کنند»^۲. در این زمان حضرت نوح علیه السلام آن‌ها را نفرین کرد. رفتار حضرت نوح علیه السلام درس‌های بزرگی به همه انسان‌ها و از جمله مبلغان می‌آموزد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. دلسوزان جامعه و وظیفه دارند تا آنجایی که توان دارند، به دنبال نصیحت و خیرخواهی مردم باشند و زود احساس خستگی نکنند.

۲. همان‌گونه که امام خمینی رحمته الله علیه نیز در «منشور روحانیت» فرموده است: «همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم، نه مأمور به نتیجه»^۳. از این رو وقتی حضرت نوح علیه السلام وظیفه خودش را انجام داد، خداوند او را دل‌داری داد و فرمود برای سرنوشت قوم ستمکار غمگین نباشد.

خیرخواهی شیوه مردان بود هر کرا این شیوه شد، مرد آن بود^۴

۴/۴. مهربانی و بیان نرم

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم بهترین ناصح و خیرخواه‌ترین شخص نسبت به مردم بود و وظیفه داشت با مهربانی مردم را نصیحت کند؛ چنانکه خداوند خطاب به آن حضرت می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَّانفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ»^۵ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند».

آن حضرت نه تنها در برابر مؤمنانی که به اخلاق اسلامی مؤدب بودند؛ بلکه در برابر بیابان‌گردانی که بویی از آداب نبرده بودند نیز به بهترین وجه رفتار می‌کردند.^۶

مهربانی حضرت یوسف علیه السلام

قرآن کریم در باره مهربانی حضرت یوسف علیه السلام می‌فرماید:

۱. محمدباقر مجلسی، حیوة القلوب، ج ۱، ص ۲۵۴ و ۲۵۵.
۲. هود: ۳۶.
۳. سید روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۴.
۴. اسیری لاهیجی.
۵. آل عمران: ۱۵۹.
۶. ر. ک: مسعود بن عیسی ابن ابی‌فراس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۹۹.

«و با یوسف دو جوان دیگر نیز داخل زندان شدند. یکی از آن دو گفت: من در خواب دیدم که انگور شراب می‌فشارم و دیگری گفت: من دیدم که روی سرم نانی را می‌برم و مرغان از آن می‌خورند؛ تعبیر آن را بما خبر ده که به‌راستی تو را از نیکوکاران می‌بینیم».^۱ آن حضرت پس از ارائه تعبیر خواب آنان، به خیرخواهی پرداخت و گفت: «یا صَاحِبِی السَّجْنِ أَلْزَابُ مُتَّفَرِّقُونَ حَیْرٌ أَمِ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ؟»^۲ ای دوستان زندانی من! آیا خدایان پراکنده بهترند، یا خداوند یکتای پیروز؟!».

روشی که حضرت یوسف علیه السلام برای خیرخواهی در پیش گرفت، حاوی درس‌های فراوانی است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. ابتدا آنان را به عنوان دو دوست صدا کرد و با مهربانی به نقاط اشتراک و مشکلی که هر دو داشتند، از جمله زندانی بودن اشاره کرد.
 ۲. او با اولویت‌سنجی هم‌بندان خویش را به توحید و دوری از شرك فراخواند.
 ۳. با طرح سؤال و برانگیختن وجدان هم‌بندان خویش، حقایق توحید و یکتاپرستی را برای آنان مطرح کرد.
 ۴. به جای نگاه از بالا و تحکم، از هم‌بندان خویش خواست تا با مقایسه و سنجش عقیده توحیدی با عقیده به خدایان متعدد، عقیده درست را برگزینند.
- بنابراین مبلغان دینی باید از سر مهربانی و با ملاحظت، به خیرخواهی همت گمارند.^۳

۴/۵. دعا

یکی از آداب خیرخواهی، دعا کردن برای همگان است؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه یک نفر دعا می‌کند، برای همه دعا کند؛ زیرا این دعا به اجابت نزدیک‌تر است».^۴

یکی از دعاهای سفارش شده پس از هر نماز که دارای آثار دنیوی و اخروی زیادی است، دعای «اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَیْ أَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ...» است که در اعمال ماه مبارک رمضان آمده است. در این دعا، همگانی بودن خیرخواهی به خوبی نمایان است. هیچ قیدی در هیچ یک از فرازهای

۱. یوسف: ۳۶.

۲. همان، ۵۶.

۳. اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان، تفسیر راهنما، ج ۸، ص ۳۱۵.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۱۳.

این دعا وجود ندارد؛ نه قید اعتقادی، نه ملیتی، نه جنسیتی و نه قشر خاصی از انسان‌ها. بنابراین مؤمن روزه‌دار باید برای همه بندگان خداوند دعا کند و خیرخواهشان باشد.

۴/۶. عفو و گذشت

آدمی ممکن است در مسیر خیرخواهی با چالش‌های فراوانی مواجه شود. ممکن است بسیاری از مردم خیرخواهی او را برتابند و ناسپاسی کنند. در این میان وظیفه افراد خیرخواه، بخشش و گذشت از خطاهای دیگران است؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: «حُذِرِ الْعَفْوُ وَ أُمِرَ بِالْعَزْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»^۱.

گذشت امام حسن علیه السلام و ناسپاسی مرد شامی

مردی از اهل شام با امام حسن علیه السلام که سوار بود، مصادف شد. آن شخص امام حسن علیه السلام را لعن کرد، اما آن حضرت به ناسزاهایش جواب نمی‌داد. هنگامی که آن مرد ساکت شد، امام حسن علیه السلام به وی سلام کرد و با لبخند فرمود: «گمان می‌کنم غریب باشی. شاید امر بر تو مشتبه شده باشد. اگر از ما رضایت بخواهی، رضایت می‌دهیم. اگر چیزی بخواهی، به تو عطا خواهیم نمود. اگر از ما راهنمایی بخواهی، تو را هدایت می‌نماییم». آن‌گاه حضرت از مرد شامی خواست که اثاث مسافرتش را بردارد و مهمان امام شود.^۲ هنگامی که آن مرد شامی این سخنان را از امام حسن علیه السلام شنید، گریان شد و ضمن توبه از رفتار زشت خود، مهمان امام علیه السلام و معتقد به محبت خاندان عصمت و طهارت شد.^۳

۴/۷. خیرخواهی عالمانه

اگر خیرخواهی بدون آگاهی باشد، خیرخواهی به «شرخواهی» تبدیل می‌شود. برخی تصور می‌کنند در اموری همانند اختلاف‌های خانوادگی، مباحث دینی و...، همگان می‌توانند اظهار نظر کنند و از باب «خیرخواهی» مداخله نمایند، نظر دهند و به سؤالات دینی پاسخ گویند؛ در حالی که داشتن علم و دانش کافی، مهم‌ترین شرط خیرخواهی و پاسخ‌گویی دینی است. بدون ارائه پاسخی صحیح و عالمانه نه تنها مشکلی برطرف نمی‌شود؛ بلکه بر مشکلات نیز افزوده می‌شود.

۱. اعراف: ۱۹۹.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳۳۱.

۳. همان.

خیرخواهان قاتل

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: من به همراه عده دیگری به مسافرت رفته بودیم. روزی به سر یکی از همراهانمان سنگی اصابت کرد و سر او شکست. شبانگاه نیز محتمل شد. همراهانش گفتند باید غسل کنی، او هم قبول کرد؛ ولی زخمش عفونی شد و مرد. در بازگشت داستان را برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کردیم. آن حضرت به شدت دل‌تنگ و افسرده شد و فرمود: «آنان (با پاسخ اشتباهشان) او را کشتند. خدایشان بکشد. وقتی نمی دانستند، چرا نپرسیدند؟ همانا درمان نادانی و درماندگی، پرسیدن است». پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ادامه، راه حل مشکل را تیمم یا غسل جیره دانستند.^۱

مدعیان دروغین خیرخواهی

هر کس به برّش خرقه، اویس قرنی نیست هر شیشه گلرنگ عقیق یمنی نیست چه بسیاریند کسانی که قلم خیرخواهی به دست می گیرند و زبان به نصیحت می گشایند، ولی در واقع قصد انحراف و خیانت به مردم را دارند. نمونه بارز آن، جریان شیطان و حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام و حواریان عَلَيْهِمُ السَّلَام است که بنا بر آیات قرآن، برای گمراه کردن از در خیرخواهی وارد شد و برای اینکه حرف خود را به باور آن دو برساند؛ قسم خورد که من خیرخواه شما هستم: «وَقَاسَمَهُمْ إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّصِيحِينَ»^۲ و به این ترتیب آن‌ها را با فریب [از مقامشان] فرود آورد.^۳

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند نه هر که آینه سازد سکندری داند
هزار نکته باریک‌تر ز مو این جاست نه هر که سر بتراشد قلندری داند
در جریان کربلا نیز مدعیان دروغین خیرخواهی و شیاطین انسان‌نما بسیار بودند و عمر سعد فرمانده آنان بود که عصر روز تاسوعا، سپاهیان خود را با فریاد «يَا حَيْلَ اللَّهِ اِزْكَبِي وَبِالْجَنَّةِ اُبْشِرِي»^۴ به جنگ با امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و یارانش فرا خواند.

۱. نظام‌الدین حسن بن محمد قمی نیشابوری، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۲، ص ۴۲۰. مشابه این روایت در داستان‌های مشابه از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز نقل شده است. ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۶۸.

۲. اعراف: ۲۱.

۳. اعراف: ۲۲.

۴. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۱۰: «ای سواران خدا! سوار شوید؛ مژده باد شما را به بهشت».

فهرست منابع

۱. ابن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعة ورام، قم: انتشارات مكتبة الفقيه، ۱۴۱۰ق.
۲. الیاس، انطوان الیاس، فرهنگ نوین، به اهتمام سید مصطفی طباطبایی، تهران: انتشارات اسلامیة، ۱۳۷۷ش.
۳. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة، تهران: انتشارات دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶ش.
۵. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ق.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، تحقیق احمد عبدالغفور، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: انتشارات اعلمی، ۱۳۹۰ق.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵ش.
۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیای التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۱۰. _____، حیوة القلوب، قم: انتشارات سرور، ۱۳۸۴ش.
۱۱. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۶ش.
۱۲. نیشابوری قمی، نظام الدین حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۶ق.
۱۳. هاشمی رفسنجانی، اکبر و برخی محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، تفسیر راهنما، قم: انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۷۹ش.